مجله اقتصادی
شماره‌های ۱۱ و ۱۲ بهمن و اسفند ۱۳۹۳، صفحات ۵۸-۳۹

پیشگفتاری بر ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با تأکید بر آسیب‌شناسی نظام بانکداری بدون ربای ایران

فروهر فردوسی
کارشناس‌ارشد اقتصاد
forouhar.economics@yahoo.com

ایران در زمره کشورهای برخوردار از نظام تأمین مالی بانک‌محور دسته‌بندی می‌شود. در اینگونه نظام‌های اقتصادی، کاستی‌ها و ناکارامدی‌های سیستم بانکی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روند متغیرهای خرد و کلان اقتصادی را به‌شدت متأثر می‌سازد. این مقاله با هدف آسیب‌شناسی نظام بانکداری بدون ربای ایران به بیان برخی از ناکارامدی‌هایی که ریشه در ضعف حاکمیت شرکتی در نظام بانکی دارد، می‌پردازد. همچنین با هدف تبیین اهمیت وجودی ساختار راهبری شرکتی بهینه، به بررسی اجمالی پیامدهای ناگوار عدم وجود این ساختار و نقصان نظام کنترل درونی اثربخش در برخی از کشورها که گاه تا مرز فروپاشی اقتصادی و بروز بحران‌های مالی وسیع پیش‌رفته است، اشاره می‌نماید. نتیجه پژوهش حاضر حاکی از آن است که اثربخشی بهینه سیاست‌های تسهیل پولی و نیز سیاست‌های ارتقای توان تسهیلات‌دهی نظام بانکی که با هدف خروج غیر تورمی از رکود و تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی طراحی گردیده است، منوط به استقرار نظام حاکمیت شرکتی بانکی به‌عنوان پیش‌شرط می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: نظام بانکداری بدون ربای ایران، حاکمیت شرکتی، نظارت بانکی.

۱. مقدمه

نظام بانکداری بدون ربای ایران در شرایطی سی و یکمین سال استقرار خود را سپری می‌نماید که بر اساس شاخص‌های مختلف اقتصادی و مالی و با وجود تلاش‌های مستمر سیاستگذاران دچار ناکارایی محسوسی می‌باشد. مواجهه با حجم قابل‌توجهی از تسهیلات اعطایی غیرجاری (NPL)،[1] درگیر شدن بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی فعال در بازار متشکل پولی کشور در امر بنگاه‌داری (بیش از سقف مجاز در نظر گرفته شده از سوی مقام ناظر)، سهم قابل‌توجهی از دارایی‌های سمی[2] در اقلام ترازنامه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، ناچیز بودن نسبت کفایت سرمایه[3] واسطه‌های مالی

1. Non Performing Loan
2. Toxic Assets
3. Capital Adequancy

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

بازار پول، پایین بودن درجه شفافیت[1] سیستم بانکی، وقوع تخلفات و مواجهه با فساد مالی[2] و تحمیل ریسک‌های فزاینده ناشی از آن به اقتصاد ملی، تضییع حقوق سهامداران خرد و عدم تأمین منافع واقعی سپرده‌گذاران و وجود شبهاتی در میان برخی از نخبگان در خصوص انطباق برخی از عملیات بانکی با معیارهای شرعی، بخشی از مجموعه ناکارامدی‌های نظام بانکداری بدون ربای ایران می‌باشد. بررسی سیر تاریخی نظام بانکی سایر کشورها نشان می‌دهد که چالش‌های برشمرده فوق، مختص نظام بانکی ایران نبوده و بسیاری از نظام‌های بانکی موفق کنونی توانسته‌اند با بهره‌گیری از سیاست‌های اصلاحی بهینه از جمله استقرار اصول حاکمیت شرکتی[3] درجه کارایی خویش را به‌تدریج بالا برده و در عمل زمینه تأمین مالی بهینه و به‌تبع آن رشد مطلوب و مستمر اقتصادی را فراهم آورند.

از این‌رو در مقاله حاضر که نخستین مقاله از سلسله مقالات با محوریت حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری از نویسنده این اثر خواهد بود ابتدا با هدف تبیین ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی به شکل اختصاری به آسیب‌شناسی نظام بانکداری بدون ربای ایران پرداخته می‌شود، در ادامه با هدف تبیین اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و ضرورت تحقق حقوق کلیه ذینفعان بانکی به پیامدهای ناگوار عدم بهره‌مندی نظام بانکی برخی کشورها از نظام حاکمیت شرکتی بهینه پرداخته می‌شود و در پایان با بهره‌گیری از مباحث مطروحه بر الزام استقرار نظام حاکمیت شرکتی بهینه در بانک‌ها با لحاظ نمودن ویژگی‌های نظام اقتصادی ایران پیش از اعمال سیاست‌های تسهیل پولی و یا تخصیص منابع از سوی دولت جهت افزایش سرمایه بانک‌ها که با هدف افزایش توان تسهیلات‌دهی در حال سیاستگذاری است تأکید می‌شود.

۲. برخی از ناکارامدی‌های نظام بانکداری بدون ربای ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و به‌موجب اجرای ماده (۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،[4] با هدف انطباق ویژگی‌های نظام اقتصادی کشور با معیارهای متعالی اقتصاد اسلامی، قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ تصویب شد و در سال ۱۳۶۳ با اجرای این قانون، نظام بانکداری ایران به شکل یکپارچه[5] از نظام بانکداری متعارف (مبتنی بر سازوکار بهره) به نظام بانکداری بدون ربا (فاقد سازوکار مبتنی بر بهره) تغییر ماهیت داد. بررسی‌های مختلف طی سنوات اخیر نشان می‌دهد نظام بانکداری بدون ربای ایران طی ۳۰ سال گذشته منشأ خدمات بسیاری بوده است، در حقیقت برخورداری اقتصاد ایران از نظام تأمین مالی بانک‌محور و توسعه

1. Transparency
2. Financial Coroption
3. Corporate Governance

۴. اصل (۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

۵. این در حالی بود که در بسیاری از کشورها، نظام بانکداری اسلامی به شکل پایلوت در کنار نظام بانکداری متعارف به اجرا درآمد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

ناچیز بازار سرمایه منجر به تحقق سهم بالای بانک‌ها (۸۸ درصد در پایان آبان ماه سال ۱۳۹۳) در فرایند تأمین مالی اقتصاد ایران شده است. در چنین شرایطی بدیهی است کاستی‌ها و ناکارامدی‌های نظام بانکی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روند متغیرهای خرد و کلان اقتصادی را متأثر نماید؛ در ادامه با هدف آسیب‌شناسی نظام بانکداری بدون ربای ایران به بیان برخی از ناکارامدی‌ها پرداخته می‌شود که ریشه در عدم استقرار نظام قاعده‌مند حاکمیت شرکتی دارد.

۲-۱. سهم بالایی از دارایی‌های سمی در اقلام ترازنامه بانک‌ها

مواجهه واسطه‌های پولی فعال در بازار مالی ایران با حجم فزاینده‌ای از دارایی‌های سمی به یکی از معضلات جدی نظام اقتصادی ایران تبدیل شده است؛ دارایی‌های سمی[1] از جمله اصطلاحاتی است که پس از بحران مالی سال ۲۰۰۷ در محافل علمی مورد استفاده گسترده قرار گرفت تا جایی که بسیاری عامل اصلی تحقق و فاکتور مهم تشدیدکننده این بحران را به‌ویژه در وجود دارایی‌های سمی در ترازنامه بانک‌های آمریکا می‌دانند.

در تعریفی ساده یک دارایی زمانی سمی قلمداد می‌شود که در ارزیابی مجدد دارایی‌ها و بدهی‌های یک بانک (یا شرکت) ارزش دفتری دارایی مورد نظر به شکل معناداری بیش از ارزش بازاری آن دارایی باشد. این تعریف شاید حداقل ویژگی‌های مفهوم مورد نظر از دارایی‌های سمی را در خود داشته باشد، در واقع عدم وجود بازار برای خرید این دارایی و یا غیرقابل معامله بودن دارایی‌های سمی تعاریفی برخوردار از ویژگی‌های حداکثری می‌باشند. با اتکا به تعریف حداقلی مذکور، واکاوی اقلام مندرج در ترازنامه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موجود در نظام بانکداری بدون ربای ایران نشان می‌دهد که بانک‌های ایران حداقل در سه قلم از دارایی‌های خود با دارایی‌هایی با نقدشوندگی پایین مواجه هستند که می‌توان آنها را با توجه به انطباق با تعاریف مرسوم دارایی سمی قلمداد نمود. این سه قلم به‌تفکیک بیان می‌گردد:

۲-۱-۱. مواجهه با حجم بالای مانده تسهیلات غیرجاری

همانگونه که سپرده‌های اشخاص نزد بانک از جمله اقلام ذیل عنوان بدهی‌های سیستم بانکی در ترازنامه بانک منعکس می‌گردد، تسهیلات اعطایی جاری و تسهیلات اعتباری غیرجاری نیز از جمله اقلام ذیل دارایی‌های بانک در ترازنامه تلقی می‌گردد. با توجه به دلایل عدیده یکی از عوامل اخلال‌زا در مسیر تأمین مالی حداکثری نظام بانکی در شرایط کنونی، مواجهه بانک‌ها و مؤسسات پولی و اعتباری غیربانکی با رشد فزاینده مانده تسهیلات غیرجاری بانک‌ها می‌باشد. این حجم بالا از تسهیلات غیرجاری منجر به خارج شدن بخش قابل‌توجهی از منابع مالی تجهیز شده بانک‌ها (در قالب سپرده‌های بانکی)

1. Toxic Assets

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

از ایجاد اعتبارات جدید و چرخه تأمین مالی شده و زمینه عدم پاسخگویی نظام بانکی به نیاز متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی را فراهم می‌آورد. بدیهی است این معضل در شرایطی که بنگاه‌های اقتصادی به‌دلیل مواجه شدن با پدیده تورم رکودی، طی سال‌های اخیر، بیش از گذشته به منابع بانکی جهت تأمین سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری‌های مورد نظر جهت امکان ادامه فعالیت نیازمند می‌باشند نقش مخرب فزاینده‌ای دارد.

بر اساس آخرین داده‌های رسمی منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مانده تسهیلات غیرجاری اعم از تسهیلات ریالی و ارزی سیستم بانکی (شامل اقلام ذیل سرفصل‌های سررسید گذشته، معوق، مشکوک‌الوصول و سوخت شده) در پایان آبان ماه ۱۳۹۳ به ۹۳۸/۸ هزار میلیارد ریال رسیده است که در مقایسه با رقم مشابه آن در پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۲ که بالغ بر ۸۰۸/۱ هزار میلیارد ریال بود نمایانگر رشدی معادل ۱۶/۲ درصد می‌باشد. همچنین، بررسی نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی شبکه بانکی نیز نشان می‌دهد که این نسبت با ۰/۶ واحد درصد افزایش از ۱۴/۱ درصد در پایان اسفند ماه ۱۳۹۲ به ۱۴/۷ درصد در پایان آبان ماه سال ۱۳۹۳ رسیده است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که طی سنوات جاری ترکیب مانده تسهیلات غیرجاری به سمت ترکیبی با ریسک بالاتر (افزایش سهم تسهیلات غیرجاری مشکوک‌الوصول و سوخت‌شده از مجموع مانده تسهیلات غیرجاری) تغییر یافته است. بدیهی است این امر منجر به افزایش ریسک و مخاطرات احتمالی می‌گردد. نسبت بالای تسهیلات غیرجاری در ایران (۱۴/۷ درصد) در مقایسه این نسبت در سایر کشورها (عرف جهانی حدود ۲ الی ۴ درصد) از یک سو گواه ناکارایی نظام بانکی در اعتبارسنجی و مدیریت منابع بوده و از سوی دیگر نمایانگر اثرگذاری عدم تعادل‌های اقتصادی بر روند فعالیت بنگاه‌های اقتصادی در کنار بروز مخاطرات اخلاقی (کژ منشی)[1] و انتخاب معکوس (کژگزینی)[2] از سوی دریافت‌کنندگان تسهیلات نیز می‌باشد. نکته قابل ذکر دیگر آنکه اگر روند تغییرات مطالبات بانکی مورد بررسی قرار گیرد، مشخص می‌شود که به‌دلیل اجرای مواد (۲۸)، (۲۹) و (۱۶) قوانین بودجه سنواتی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲؛[3] حجم وسیعی از تسهیلات غیرجاری وارد مکانیزم تجدید اعطای تسهیلات جدید شد به‌گونه‌ای‌که به مشتریان بانکی که در ایفای تعهدات خود در زمینه بازگرداندن منابع استقراضی کوتاهی نموده بودند اصل و فرع مبلغ استقراضی در قالب تسهیلات جدید اعطا می‌گردید. از این رو در عمل بنا بر اجرای تکلیف فوق از سوی

1 .Moral Hazard

2. Adverse Selection

۳. در این احکام، با هدف تسهیل در تأمین مالی بانک‌ها با هدف حمایت از تولید، بر اجبار بانک‌ها بر امهال و استمهال بازپرداخت تسهیلات بانکی که ذیل تسهیلات غیرجاری قرار گرفته بودند، تأکید شده بود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

نظام بانکی بخشی از تسهیلات غیرجاری موجود در ترازنامه بانک‌ها از ذیل تسهیلات غیرجاری خارج و به ذیل تسهیلات جاری از طریق مکانیزم تجدید اعطای تسهیلات انتقال یافت، با توجه به ظرفیت بالقوه بالای بازگشت این تسهیلات تجدید شده به موارد ذیل سرفصل تسهیلات غیرجاری ناشی از عدم ایفای دوباره تعهدات دریافت‌کنندگان تسهیلات در بازپرداخت منابع بانکی استقراضی[1] از یک سو و از سوی دیگر به‌دلیل مواجهه بنگاه‌ها با شرایط تورم رکودی و بروز رفتار ضدچرخه‌ای[2] تسهیلات غیرجاری، انفعال برخی از بخش‌های اقتصادی در زمینه تصمیم‌سازی فعالیت‌های آتی اقتصادی خود (ناشی از طولانی شدن روند مذاکرات هسته‌ای و افزایش دامنه نااطمینانی) و اعمال سیاست‌های انبساطی و تسهیل پولی در زمینه اعطای تسهیلات طی سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۸۸)، انتظار می‌رود روند مطالبات معوق بانکی با شوک مثبتی طی ماه‌های اخیر روبرو گردد. بدیهی است استمرار این روند می‌تواند علاوه بر ایجاد زمینه بروز ریسک و مخاطرات احتمالی نظام تأمین مالی را در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه خود ناتوان نموده و در شرایط خطیر کنونی مستقیم یا غیرمستقیم به اقتصاد ملی آسیب جدی رساند.

۲-۱-۲. نقدشوندگی پایین برخی از وثایق رهنی

همانگونه که در تعریف دارایی‌های سمی ذکر شد، در نظام‌های بانکی سایر کشورها دارایی‌های سمی ناشی از تسهیلات و اوراق مشتقه رهنی، هنگامی ایجاد می‌گردند که در ترازنامه بانک اعطاکننده تسهیلات خرید ملک یا بانک عامل اوراق مشتقه رهنی، ارزش دفتری ملک مورد نظر با ارزش واقعی (مورد معامله در بازار) آن دارایی فاصله معناداری (بیش از ۵۰ درصد) داشته باشد؛ در این حالت هرچه شکاف میان این دو نرخ بالاتر و ارزش دفتری کمتر از ارزش بازاری باشد نرخ نکول تسهیلات اعطایی فوق بالاتر می‌رود. بنابراین به‌کارگیری تسهیلات رهنی، اوراق مشتقه مرتبط با این بخش نظیر اوراق بهادار مبتنی بر وام‌های رهنی (MBS)[3] و غیره در مکانیزم بانکی ظرفیت ایجاد دارایی سمی در ترازنامه بانک‌ها را افزایش می‌دهد. بدیهی است کاهش شدید قیمت مسکن و مستغلات در یک اقتصاد می‌تواند زمینه کاهش ارزش بازاری این دارایی را نسبت به ارزش دفتری (اولیه محاسباتی) آن فراهم آورد که این خود زمینه تشکیل دارایی‌های سمی را فراهم می‌آورد، اما در اقتصاد ایران به‌دلیل ماهیت تورمی به‌ویژه در بخش مسکن تجربه شکل‌گیری دارایی‌های سمی به‌دلیل افت قیمت مسکن در سطح کلان اقتصادی به‌طور گسترده بروز نیافته است.

۱. بنا بر اظهار نظر رئیس کل محترم بانک مرکزی، بیش از ۵۴ درصد از تسهیلات تجدید شده مطابق این مکانیزم به تسهیلات غیر جاری تبدیل شده است.

2. Procyclical

3. Mortgage-Backed Security

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

بررسی‌ها نشان می‌دهد در بانک‌های ایران شکل‌گیری دارایی سمی به‌طور عمده از محل وثایق ملکی و تجاری در رهن جهت اعطای تسهیلات بانکی می‌باشد. در این حالت متقاضی دریافت تسهیلات (به‌ویژه تسهیلات با حجم بالاتر) ملزم به تودیع وثیقه (به‌ویژه ملک اداری و تجاری) می‌گردد، بنابراین در صورت نکول شدن بدهی‌های گیرنده وام و عدم ایفای تعهدات دریافت‌کننده تسهیلات، بانک جهت اجتناب از ضرر در مرحله نخست اقدام به ضبط وثیقه و قرار دادن آن ذیل اقلام دارایی خود می‌نماید. در مرحله دوم نقدشوندگی دارایی آغاز می‌شود. در هر دو مرحله نقایص قوانین موجود مؤثر شده و نقدشوندگی دارایی‌ها را با مشکل جدی روبرو می‌نمایند. مانع قانونی اصلی در این زمینه ناشی از اجرای مفاد ماده (۳۴) مکرر قانون ثبت[1] می‌باشد که عملاً نقدشوندگی چنین دارایی‌هایی را به‌دلیل افزایش هزینه تملیک و واگذاری وثایق با مشکل جدی مواجه می‌نماید. زمینه دیگری از ایجاد دارایی سمی و بی‌کیفیت در ایران ناشی از ضعف درونی بانک‌ها در زمینه ارزشگذاری وثایق است. این امر که احتمالاً ناشی از فساد و ناکارایی بخشی از نظام بانکی ایران است در واقع ریسک بالایی را به نظام بانکی تحمیل می‌نماید.

۲-۱-۳. دارایی تحمیلی به بانک‌ها از محل رد دیون دولت و تحمیل بانک‌ها به سرمایه‌گذاری از سوی دولت

طی دهه‌های اخیر دولت و شرکت‌های دولتی به‌دلیل سلطه مالی گسترده دولت در بازار پول، یکی از بدهکاران کلان سیستم بانکی شدند و در نتیجه برای ایفای تعهدات یا بدهی‌های خود اقدام به واگذاری بسیاری از شرکت‌های خود به بانک‌ها (به‌ویژه بانک‌های تازه خصوصی شده) به‌عنوان رد دیون کردند که این امر بانک‌های مشمول را به سمت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و تزریق منابع مالی با هدف اجتناب از ورشکستگی واحدهای اقتصادی مذکور، امکان استمرار فعالیت و در نتیجه کاهش ریسک عدم برگشت منابع سوق داده است. بنابراین، افزایش سرمایه‌گذاری بانک‌ها که با هدف بهبود تولید در شرکت‌های فوق و گذار از شرایط نامطلوب شرکت‌ها تا رسیدن به مرحله سودآوری و تحقق امکان فروش آنها صورت پذیرفت، زمینه افزایش سهم منابع سرمایه‌گذاری بانک‌ها در امر شرکت‌داری را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. نکته قابل‌توجه دیگر آنکه طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۹۰) به‌دلیل افت درآمدهای ارزی حاصل از تحریم فروش نفت، شرکت‌های دولتی در تأمین منابع مالی خود با مشکل جدی روبرو شده و به استقراض از سیستم بانکی روی آوردند. این رخداد منجر به رشد قابل‌توجه میزان تسهیلات اعطایی به شرکت‌های دولتی شد. بدیهی است عدم بازپرداخت منابع استقراضی بانکی از سوی شرکت‌های دولتی، بستر تهاتر بدهی‌های شرکت‌های دولتی با نظام بانکی

۱. ماده (۳۴) قانون ثبت اسناد و املاک در خصوص معاملات رهنی و شرطی و به‌طور کلی معاملات با حق استرداد بحث می‌نماید.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

از طریق انتقال مالکیت شرکت‌های زیان‌ده دولتی به بانک‌ها طی سنوات آتی را فراهم خواهدآورد؛ این مهم می‌تواند زمینه‌ساز موج جدید رشد بنگاه‌داری بانک‌ها گردد.

۲-۲. اشتغال بانک‌ها به امر بنگاه‌داری بیش از سقف مجاز

در یک تقسیم‌بندی ساده بانک‌ها و مؤسسات مالی غیربانکی، منابع تجهیز شده خویش را در سه زمینه اعطای تسهیلات، انجام خدمات مالی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مصرف می‌نمایند. در واقع منابع درآمدی بانک‌ها ناشی از این سه زمینه شامل درآمد ناشی از سود (ناشی از اعطای تسهیلات)، کارمزد (ناشی از ارائه خدمات بانکی) و عایدی ناشی از سرمایه‌گذاری می‌باشد. توازن تخصیصی در سه زمینه فوق زمینه ایفای وظایف مرسوم نظام بانکی را فراهم می‌آورد.

در نظام بانکداری ایران طی دو دهه اخیر با وجود پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه فناوری و عملیاتی نمودن آنها در تحولات نظام پرداخت‌ها، اما به‌دلیل عدم ژرفای مناسب مالی، وجود موانع فراوان ناشی از مهیا نبودن زیرساخت‌های کافی جهت توسعه خدمات بانکداری الکترونیک و عدم تحقق بانکداری مجازی، سهم درآمد بانک‌ها ناشی از خدمات بانکی نسبت به درآمد ناشی از سود بانکی (درآمد ناشی از اعطای تسهیلات) در فضای نظام بانکداری بدون ربای ایران به میزان محسوسی کمتر است. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر بنا به دلایلی بانک‌ها به تخصیص بخش قابل‌توجهی از منابع خود در قالب سرمایه‌گذاری در بنگاه‌داری روی آورده‌اند. ریشه اشتغال بانک‌ها در بنگاه‌داری را می‌توان در موارد فراوان یافت، واگذاری بنگاه‌های دولتی گاه ورشکسته در قالب رد دیون دولت به بانک‌ها (تهاتر) که در محورهای قبلی به آن اشاره شد یکی از محورهای زمینه‌ساز روند بنگاه‌داری بانک‌ها می‌باشد. الزام بانک‌های دولتی و خصوصی‌شده به سرمایه‌گذاری در برخی از بنگاه‌های اقتصادی (گاه ورشکسته) از سوی دولت یکی دیگر از ریشه‌های بنگاه‌داری بانک‌ها می‌باشد. یکی از محورهای دیگر، ماهیت سهامداران کنونی برخی از بانک‌های خصوصی است به‌گونه‌ای که برخی از این سهامداران پیش از تأسیس بانک و یا مؤسسه اعتباری غیربانکی به شرکت‌داری اشتغال داشته‌اند و در نتیجه می‌توانند با اعمال نفوذ بر بانک متبوع خود عملاً آن بانک را نیز درگیر امر بنگاه‌داری می‌نمایند.

سلطه مالی گسترده دولت در مواجهه بانک‌های خصوصی شده از دیگر دلایل بنگاه‌داری بانک‌هاست، واگذاری شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ به بانک‌های تازه خصوصی شده در عمل این بانک‌ها را وارد بنگاه‌داری نموده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

در کنار موارد تحمیلی، خود بانک‌ها نیز بنا به دلایلی مختلفی از جمله شرایط سیاسی و اقتصادی تحمیلی به سمت بنگاه‌داری تمایل یافته‌اند. اعمال سیاست سرکوب‌گرانه مالی[1] از جمله پایین نگاه داشتن مستمر نرخ سود بانکی فارغ از تغییرات تورمی (از سال ۱۳۸۵ تا ابلاغ بسته سیاست پولی و نظارت احتیاطی بانک مرکزی مورخ بهمن ماه ۱۳۹۰) عملاً جذابیت بازارهای موازی (نظیر ارز، طلا و مسکن) را برای سرمایه‌گذاری، نسبت به بازار پول، افزایش داد و این امر گاهی اوقات منجر به کاهش ماندگاری سپرده در سیستم بانکی شد. از سوی دیگر افت سودهای دریافتی از تسهیلات اعطایی منجر به کاهش حاشیه سود بانک‌ها می‌شود که این مسئله ساختار درآمدی و هزینه‌ای بانک‌ها را تحت‌تأثیر قرار داد، در حقیقت کاهش درآمدهای مشاع منجر به سوق یافتن اجباری بانک‌ها به سمت فعالیت‌های سودآور جایگزین جهت پیشگیری از بحران‌های احتمالی آینده به‌ویژه به دلیل وجود فضای نااطمینانی در بلندمدت گردید.

در این راستا مشاهده می‌شود سودآوری بالای بازار سرمایه به سبب تعدیل مثبت برخی از سهام شرکت‌های شاغل در امر صادرات و واردات ناشی از کاهش ارزش پول ملی به موازات سرکوب نرخ سود بانکی طی سال‌های جاری و کاهش درآمد مشاع بانک‌ها، توجه بانک‌ها را به سودهای آنی (خرید و فروش لحظه‌ای سهام) جلب نمود و نتیجه این روند افزایش انگیزه بانک‌ها به سرمایه‌گذاری کلان در برخی شرکت‌های دارای سودآوری بالا و رفع مشکلات نقدینگی این بنگاه‌ها بود و در نتیجه زمینه ورود بیشتر بانک‌ها به بنگاه‌داری فراهم گردید. از سوی دیگر با تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها و نحیف شدن بخش تولید به‌دلیل اجرای نامناسب گام اول هدفمندی یارانه‌ها (از یک سو عدم پرداخت سهم ۳۰ درصدی بخش تولیدی از محل صرفه‌جویی ناشی از عدم پرداخت یارانه اقلام موضوع هدفمندی و از سوی دیگر اعمال سیاست سرکوب قیمتی)، بنگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات (به‌ویژه بنگاه‌های تولیدی) در ایفای تعهدات خود مبنی بر بازپرداخت اصل و فرع منابع استقراضی از نظام بانکی با مشکلات فراوان مواجه شدند و بنابراین حجم قابل‌توجهی از تسهیلات غیرجاری به‌وجود آمد. تداوم اعطای تسهیلات و قرار گرفتن منابع اعطایی در چرخه مطالبات معوق موجب گردید تا بانک‌ها در کنار ایفای وظیفه اصلی خود که اعطای تسهیلات بانکی و ارائه خدمات می‌باشد به سمت فعالیت‌های همراه با ریسک کمتر نظیر بنگاه‌داری شرکت‌های دارای بازدهی بالاتر سوق یافتند.

1. Financial Repression

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

۲-۳. افزایش بیش از سقف مجاز دارایی بانک‌ها در زمینه املاک و مستغلات

بر اساس دستورالعمل جاری بانک مرکزی، سقف مجاز سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها در زمینه دارایی‌های فیزیکی شامل املاک و مستغلات و تملک شعب جدید ۳۰ درصد از کل سرمایه پایه بانک می‌باشد، اما با بررسی صورت‌های مالی واسطه های پولی ایران مشخص می گردد که بسیاری از بانک‌ها از این سقف تجاوز نموده‌اند. این مهم نیز دلایل عدیده دارد از جمله آنکه وجود شرایط تورمی مستمر و افزایش شدید قیمت زمین و مسکن طی دهه‌های اخیر بانک‌ها را جهت حفظ ارزش منابع خود و اجتناب از مخاطرات ناشی از شعب استیجاری به سمت خرید املاک و تخصیص منابع نقدی به دارایی‌های غیرنقدی سوق داده است. در واقع بخشی از سپرده‌های تجهیزی بانک‌ها تبدیل به دارایی‌های غیرمولد و سرمایه ثابت نظیر خرید شعب جدید شده و این مهم منجر به آن می‌شود تا هر ساله عملاً مدیران بانک با تجدید ارزش این دارایی‌ها در دفاتر مالی خود، فعالیت‌های بانک را سودآور نشان دهند. بدیهی است تجاوز از سقف قانونی سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات نیز منجر به خروج منابع بانکی از چرخه ایجاد پول شده که موجب اثرات منفی فراوانی گردیده است.

۲-۴. ناچیز بودن نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها

نسبت کفایت سرمایه یکی از نسبت‌های سنجش سلامت عملکرد و تعیین‌کننده درجه ثبات مالی مؤسسات مالی و بانک‌ها است. اساس این روش بر این اصل استوار است که بانک‌ها می‌بایست سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیت‌های خود را داشته و مراقب باشند که آسیب‌های وارده به سپرده‌گذاران منتقل نشود تا از ورشکستگی مؤسسه یا بانک به شکل انفرادی یا سریالی اجتناب گردد. بر اساس مقررات بین‌المللی بال (۱) نسبت انواع سرمایه به دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک، که به اصطلاح نسبت کفایت سرمایه خوانده می‌شود، برای بانک‌ها حداقل ۸ درصد تعیین شده است. در مجموعه مقررات بین‌المللی بال (۲) و (۳)[۱] دقت محاسبه دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک افزایش چشمگیری داشته است. بررسی‌های آماری این نسبت در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در اکثر کشورها این شاخص در بازه بین ۸ تا ۱۲ درصد بوده است (قضاوی، ۱۳۹۰).

در نظام بانکی ایران نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های دولتی (بجز بانک‌های توسعه صادرات و صنعت‌ومعدن که عملاً بانک‌های توسعه‌ای محسوب شده و به‌جای اقدام به تجهیز منابع از طریق سپرده‌پذیری، از منابع صندوق توسعه ملی بهره‌مندند) شرایط وخیمی را تجربه می‌نماید، بر اساس آخرین آمارهای اعلام شده رسمی میانگین نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانک مجاز در دامنه (۴/۵-۳/۵) درصد می‌باشد (سیف، ۱۳۹۳). این میزان نمایانگر شرایط مخاطره‌ای است زیرا نشان می‌دهد

۱. مجموعه مقررات بال ۳ متأثر از فضای اقتصاد جهانی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ بوده و از ضریب احتیاطی بالاتری نسبت به بال ۲ برخوردار است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

نظام بانکداری ایران سهم بسیار بالایی از عملیات جاری خویش را با اتکا به منابع استقراضی مردم و نه سرمایه خود بانک انجام می‌دهد، در حالی‌که اصول نظارت احتیاطی ایجاب می‌نماید بانک علاوه‌بر منابع استقراضی در فرایند واسطه‌گری مالی از سرمایه خود نیز بهره گیرد تا به این ترتیب ریسک و مخاطرات احتمالی مترتب بر فعالیت‌های بانک به منافع سپرده‌گذار منتقل نشده و زمینه بروز ناتوانی بانک‌ها در ایفای تعهدات خویش و ظهور بحران‌های مالی برچیده شود.

۲-۵. درجه شفافیت پایین سیستم بانکی، بروز فسادهای مالی

نظام بانکداری بدون ربای ایران طی سنوات گذشته با درجات مختلفی از فساد مالی روبرو بوده است. بسیاری ریشه این فسادها و رسوایی‌های مالی را در نبود شفافیت کافی و عدم وجود سیستم نظارتی کارا می‌دانند. فقدان شفافیت موجود در نظام بانکداری ایران از دامنه گسترده ای برخوردار است، به‌عنوان مثال این عدم شفافیت را می‌توان از یک سو در عدم ارائه صورت‌های مالی واقعی بانک‌های دولتی به عموم مشاهده نمود، از سوی دیگر در خصوص بانک‌های خصوصی پذیرفته شده در بازار سرمایه نیز می‌بایست خاطرنشان کرد اگرچه این بانک‌ها به‌صورت مستمر و منظم اقدام به ارائه صورت‌های مالی و یاداشت‌های همراه، گزارش فعالیت هیئت‌مدیره، صورت‌های مالی حسابرسی شده تلفیقی گروه‌ها و شرکت اصلی خود می‌نمایند، اما صورت‌های مالی ارائه شده از سوی برخی از این بانک‌ها نیز از حیث انطباق با استانداردهای حسابداری و حسابرسی نوین و وجود برخی ابهامات فاصله معناداری با وضعیت مطلوب دارد. تداخل وظایف هیئت‌مدیره در امور نظارتی و اجرایی از زمینه‌های دیگر کاهنده درجه شفافیت لازم در نظام بانکی به‌ویژه در بانک‌های دولتی است.

۲-۶. تضییع حقوق سهامداران خرد و سپرده‌گذاران

مواجهه بانک‌ها با استمرار رشد تحقق تسهیلات غیرجاری و بالا رفتن ریسک عدم بازگشت منابع بانکی به‌دلیل افزایش سهم مطالبات مشکوک‌الوصول و سوخت شده در ترکیب مانده تسهیلات غیرجاری، بانک‌ها را به سمت اعطای تسهیلات به متقاضیان شناخته شده و خوش‌حساب خود به‌جای اعطای تسهیلات به مشتریان خرد و جدید سوق داده است؛ بدیهی است این امر منجر به تحقق درجه بالای تمرکز تسهیلات و افزایش نسبت تسهیلات و تعهدات کلان به کل تسهیلات اعطایی از سقف مجاز در برخی از واسطه‌های مالی گردیده است. بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، یک بانک می‌تواند حداکثر ۸ برابر سرمایه و اندوخته خود را صرف پرداخت تسهیلات کلان کند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته تعدادی از بانک‌ها بسیار بیشتر از حدود تعیین شده تسهیلات کلان پرداخت کرده‌اند. این مهم در بانک‌هایی که توزیع سهام آنها از درجه انحصاری بالاتری برخوردار است محسوس‌تر می‌باشد. بدیهی است که این روند زمینه تضییع گسترده حقوق سهامداران خرد و سپرده‌گذاران با منابع کوچک و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

متوسط را فراهم می‌آورد؛ در این شرایط عدالت میان سپرده‌گذاران رعایت نشده و در موارد عدیده‌ای تقاضای دریافت تسهیلات سپرده‌گذاران (به‌ویژه سپرده‌گذاران خرد) از سوی بانک به‌دلیل تخصیص سهم قابل‌توجهی از منابع تجهیز شده به مشتریان خاص (در قالب تسهیلات کلان) بی‌پاسخ مانده است. از سوی دیگر اعمال گسترده سیاست سرکوب مالی دولت در زمینه تعیین نرخ سود بانکی طی سال‌های اخیر، زمینه تحقق نرخ سود حقیقی منفی و یا صفر (به‌ویژه در سال‌های کنونی که نرخ تورم بالایی به اقتصاد تحمیل شده است) را فراهم آورده، بدیهی است در این شرایط قدرت خرید منابع سپرده‌گذاران در بانک‌ها به مرور کاهش می‌یابد. در واقع کاهش دستوری نرخ سود بانکی زمینه تضییع منافع سپرده‌گذاران را فراهم نموده و بانک ها از محل منافع آنها به دریافت‌کنندگان تسهیلات (به‌ویژه دریافت‌کنندگان تسهیلات کلان) یارانه پرداخت می‌نماید. در کنار این موارد عدم ارائه ابزارهای متناسب با سلایق و درجات ریسک‌پذیری دارندگان منابع در نظام بانکداری ایران از جمله سایر موارد تضییع‌کننده منافع سپرده‌گذاران بانکی ایران می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد در تعدادی از موارد حقوق و منافع ذینفعان بانکی به‌ویژه سپرده‌گذاران در قیاس با سهامداران رعایت نگردیده است.

۲-۷. وجود شبهاتی در زمینه انطباق برخی از عملیات بانکی با معیارهای شرعی

تغییر ماهیت نظام بانکداری ربوی ایران به نظام بانکداری بدون ربا در سال‌های ابتدایی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، انتظارات جامعه را در خصوص حفظ موازین شرعی در عملیات بانکی بالا برده است، اما با گذشت بیش از ۳۰ سال از استقرار نظام بانکداری بدون ربا در ایران و به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته از سوی سیاستگذاران، ابهاماتی در خصوص انطباق عملکرد نظام بانکی با موازین شرعی نزد بخشی از جامعه به‌ویژه نخبگان دانشگاهی و حوزوی وجود دارد. تشکیک در زمینه اجرایی شدن کامل معیارهای ممنوعیت ربا، اکل مال به باطل، ضرر و ضرار، غرر و صوری نشدن از جمله موارد مطروحه نخبگان جامعه می‌باشد. به‌عنوان مثال نظرپور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود پس از شناسایی و معرفی شاخص‌های صوری شدن معاملات بانکی نتیجه می‌گیرند بیش از نیمی از قراردادهای منعقد شده بین شعب بانک تجارت مشهد مقدس و مشتریان (جامعه آماری) در سال‌های (۱۳۸۹-۱۳۸۸) صوری بوده است. همچنین انتقادهای مطروحه در زمینه عدم انطباق تأخیر تأدیه با ضوابط شرعی از سوی برخی از صاحب‌نظران حوزه اقتصاد اسلامی و ضعف نظارت شرعی از محورهای دیگر مورد انتقاد در این حوزه می‌باشد. بنابراین، ضرورت اقناع جامعه و تلاش مستمر جهت زدودن ابهامات از سوی نظام بانکی در سطح خرد و کلان کاملاً احساس می شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

۳. اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی (تجربیات بین‌المللی)

پس از مرور اجمالی در زمینه آسیب‌شناسی مشکلات و چالش‌های پیش روی نظام بانکی ایران اکنون به تبیین اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، ضرورت حقوق ذینفعان بانکی و ارتقای سطح کنترل درونی اثربخش بانک‌ها و مؤسسات مالی با بهره‌مندی از تجربیات بین‌المللی پرداخته می‌شود؛ همانطور که در ابتدا ذکر گردید، واسطه‌های مالی فعال در بازار پول نقش بی‌بدیلی را در تأمین مالی واحدهای اقتصادی ایفا می‌نمایند. تجهیز منابع مازاد جامعه و تخصیص آن به متقاضیان دریافت تسهیلات و ارائه خدمات مالی با هدف تسهیل نقل‌وانتقالات مالی و اعتباری مهم‌ترین وظیفه واسطه‌های مالی می‌باشد. بدیهی است در صورت عدم کارایی بانک‌ها در فرایند تأمین مالی، موانع جدی در زمینه استفاده حداکثری از ظرفیت بالقوه مالی کشور ایجاد خواهد شد که نتیجه قطعی آن ایجاد شکاف میان رشد اقتصادی بالفعل از میزان بالقوه، افزایش سطح تورم به دلیل تضعیف بخش تولیدی و خدمات، افزایش نرخ بیکاری و بروز بحران‌های اقتصادی خواهد بود.

بحران مالی مکزیک (۱۹۹۴) یکی از نمونه‌هایی است که به‌وضوح نقش پیشرانه نقصان کنترل درونی اثربخش بهینه، فقدان نظام کارامد حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و پایین بودن سطح کارایی بانک‌ها و مؤسسات مالی را در شکل‌گیری عدم تعادل‌های کلان اقتصادی نشان می‌دهد.

بررسی‌های روند اقتصادی این کشور نشان می‌دهد که پس از اجرای آزادسازی مالی در سال ۱۹۸۳ (که پس از حدود یک دهه مواجهه با رکود و تورم به اجرا درآمده بود) و کسب موفقیت‌های نسبی به‌ویژه در مهار تورم (حصول به تورم تک‌رقمی در سال ۱۹۹۳)، اقتصاد مکزیک به‌دلیل شکست بازار اعتباری و بروز شوک‌های ارزی و پولی ناشی از رشد فزاینده مطالبات مشکوک‌الوصول و سوخت شده با بحران مالی بزرگی روبرو گردید. از جمله دلایل اثبات شده افزایش بدهی بانکی طی سال‌های مورد بحث را می‌توان در موارد زیر یافت (گیل‌دیاز، ۱۹۹۸):

– اغلب بانک‌های مکزیک در سال ۱۹۸۳ و در طی فرایند خصوصی سازی به یکباره از مالکیت دولت خارج شده و به مجموعه‌هایی با مالکیت (نه مدیریت) خصوصی تبدیل گردید، اما به‌دلیل سرعت بالای آزادسازی، بدون لحاظ نمودن معیار کلیدی تناسب و برخورداری از صلاحیت‌های حرفه‌ای، در خصوص انتخاب مدیران عالی‌رتبه (در هیئت‌مدیره، بازرسین، کمیته‌های حسابرسی و غیره)، عدم الزام به پاسخگویی مدیران و ضعف در زمینه تدوین و اجرای ساختار سازمانی مناسب، بانک‌ها در فعالیت‌های آتی خود با افت کارایی محسوسی مواجه گردیدند.

– فرایند انتقال مالکیت از دولت به بخش خصوصی با ضعف فراوان همراه بود، در عمل بسیاری از سهامداران جدید منابع مورد نیاز برای خرید سهام بانک خصوصی شده را از محل تسهیلات اعطایی همان بانک تأمین نموده و بنابراین پس از قرار گرفتن در ترکیب سهامداران جدید اقدام به اعمال نفوذ جهت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

دریافت دوباره و چندباره تسهیلات جدید و یا استمهال در زمینه بازپرداخت منابع استقراضی از بانک می‌نمودند، این مهم نسبت تسهیلات کلان به کل تسهیلات اعطایی را به‌شدت بالا برد.

– به‌دلیل عدم وجود فضای غیر شایسته‌سالارانه و سوء مدیریت حاکم بر فرایند تصمیم‌سازی و عملکرد (گماردن مدیران عامل ضعیف از سوی دولت بر بخش‌های خصوصی شده) و ایفای نقش مخرب صاحبان قدرت در قالب مالکان جدید بانک‌ها، انباشت سرمایه انسانی که طی سالیان متمادی در بخش‌های مختلف بانکی به‌دست آمده بود از دست رفته و همراه با آن چارچوب‌های نهادی و ساختاری آنها نیز از هم پاشید.

– فعل‌وانفعالات حاکم بر محیط پیرامونی، منجر به ظهور مخاطرات اخلاقی (کژ منشی) و انتخاب معکوس (کژگزینی) از سوی دریافت‌کنندگان تسهیلات شد. در نتیجه عدم بازپرداخت اصل و فرع منابع از سوی دریافت‌کنندگان تسهیلات و عدم وجود سیستم اعتبارسنجی و اخذ وثیقه مناسب منجر به افزایش نسبت تسهیلات غیرجاری و به تبع آن ناتوانی بانک‌ها در خصوص ایفای تعهدات خود در قبال سپرده‌گذاران شد، این روند به هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها برای دریافت منابع خود منجر گردید که در نهایت بحران شدید مالی مکزیک را طی سال‌های (۱۹۹۵–۱۹۹۴) رقم زد.

با بررسی ریشه‌های بحران مکزیک به نظر می‌رسد که ضعف موجود در قوانین مقام ناظر در زمینه نظارت و نیز نقصان در اجرای قوانین از سوی بانک‌ها به دلیل فقدان نظام راهبری بهینه و در نتیجه نبود نظام کنترل درونی اثربخش موجب بروز اختلال در زمینه تناسب دارایی بدهی بانکی شد، این امر به‌ویژه با افزایش و پیچیدگی پرتفوی بانک‌ها ابعاد وسیع‌تری یافت (گزارش صندوق بین‌المللی پول، ۱۹۹۹).

تجربه بحران مکزیک نشان می‌دهد کشورهایی که در حال گذار از سیستم‌های سرکوب مالی شده به سیستم‌های مبتنی بر آزادی مالی[1] نسبی هستند در صورت عدم بهره‌گیری از سازوکار بهینه در زمینه کنترل اثربخش بانکی و فقدان بهره‌گیری از سیستم حاکمیت شرکتی بهینه درون خود بانک‌ها، نوعاً با رشد سریع دارایی‌های بانکی، حجم بدهکاری بالا و حباب قیمتی دارایی مواجه می‌شوند و زمینه را برای بروز بحران‌هایی گاه با ابعاد بسیار وسیع مهیا می‌نمایند.

بنابراین، ضرورت نظارت بر رفتار انباشت اعتبار و دستیابی به شفافیت در افشای اطلاعات مالی که حسن اجرای آن در گرو استقرار نظام کنترل درونی اثربخش است، نقش مهمی در جلوگیری از ایجاد بحران‌ها دارد (گیل دیاز، ۱۹۹۹).

ناکارامدی‌های مالی و بانکی در زمینه نظارت و احقاق حقوق تمام ذینفعان و پیامدهای منفی آن تنها مربوط به بحران مکزیک نیست. بسیاری بر این اعتقادند که بحران جنوب شرق آسیا (۱۹۹۷) نیز ریشه در این عوامل دارد.

1. Financial Liberty

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

کراگمن (۱۹۹۹)[1] معتقد است برای دریافتن این مطلب که در آسیا چه گذشت می‌بایست نگرشی کاملاً متفاوت با نظریه بحران پولی اتخاذ کرد، از دید وی دراین بحران نقش مؤسسات مالی واسطه‌گر و خطر رفتاری برخاسته از مؤسسه‌هایی که به‌درستی از سوی مقام ناظر مورد کنترل و مدیریت قرار نگرفته و خود نیز فاقد نظام راهبری کارا می‌باشند قابل‌توجه است، وی در نهایت نتیجه می‌گیرد که برای اجتناب از بروز بحران‌های جدید، بازارهای مالی و بانکی می‌بایست به شکل مؤثر کارا نظارت شوند و اهرم‌های الزام‌آور پاسخگویی در حدود مسئولیت‌ها با تکیه بر شفافیت مالی ارتقا یابد.

همچنین در بررسی علل بروز بحران مالی ۲۰۰۷ نیز آنچه کاملاً نمایان است عدم کارایی سیستم نظارتی بانک‌ها در کنار مؤسسات اعطای تسهیلات رهنی (شرکت‌های تأمین سرمایه در بازارهای ثانویه) و نقصان در دستورالعمل‌های احتیاطی دوره مذکور می‌باشد که خود زمینه بروز بحران مالی بزرگی در آمریکا گردید.

با توجه به مرور اجمالی تعدادی از تجربیات بین‌المللی، به‌نظر می‌رسد که بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری غیربانکی فعال در بازار مالی ایران مانند همتایانشان در سایر کشورها به‌دلیل حضور در فعالیت‌های اقتصادی و به‌واسطه ماهیت فعالیت خود در معرض انواع مخاطرات از جمله ریسک عملیاتی، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عدم تطابق سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی و سایر ریسک‌ها قرار دارند.

در واقع عدم وجود سبد مناسب دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی از نظر حجم، سررسید، نرخ بهره به‌همراه افزایش هزینه‌های داخلی و عملیاتی و کاهش سود نقدی و عدم وجود سیستم مناسب برای کنترل مؤثر ریسک و همچنین عدم کارایی اثربخش مدیران و نیز سهم ناچیز سرمایه بانک‌ها نسبت به حجم بدهی‌ها (در مقایسه با هنجارهای بین‌المللی)، همگی خطرات بالقوه و بالفعل برای هدایت بانک‌ها به سمت بحران محسوب شده و بدیهی است در صورت عدم اصلاح روند کنونی و برچیدن ریشه‌های ناکارامدی‌های پیشروی نظام بانکی بدون ربای ایران، زمینه اثرپذیری بیشتر اقتصاد ملی از ناکارایی‌های پیش‌رو فراهم آمده و این روند می‌تواند به بروز پیامدهایی نظیر آنچه که در رابطه با سایر کشورها برشمرده شد، منجر گردد. در این راستا به نظر می‌رسد رشد فزاینده مانده تسهیلات غیرجاری، میزان ناچیز نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها، میزان قابل توجه نسبت تسهیلات و تعهدات کلان، تجاوز از سقف‌های مجاز بانک‌ها در زمینه بنگاه‌داری و خرید مستغلات و سایر معضلات مطروحه در بخش قبلی، همه از موارد پر مخاطره سیستم بانکداری بدون ربای ایران است که همین عوامل در برخی از موارد در سایر کشورها به وقوع مخاطرات مالی با ابعاد وسیع منجر گردیده است.

بنابراین تجربه جهانی ما را به بهره‌گیری از ابزارهای نوین مدیریتی مبتنی بر مکانیزم هوشمند و متناسب با هدف مهار و کنترل خطرات موصوف رهنمون می‌سازد، در این راستا یکی از راهکارهای

1. Krugman

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

برون‌رفت از شرایط نامطلوب ترسیم شده، بهره‌گیری حداکثری از سازوکارها و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی متناسب با ویژگی‌ها و ملاحظات نظام بانکداری ایران است.

اما حاکمیت شرکتی چیست؟ تعاریف متعددی از سوی سازمان‌ها، نهادهای بین‌المللی و اشخاص صاحب‌نظر در خصوص حاکمیت شرکتی ارائه شده است که دارای حدود و دامنه گسترده‌ای می‌باشند، از این رو در ادامه به تعدادی از این تعاریف ارائه شده از سوی نهادهای بین‌المللی شناخته شده در حوزه بانکی پرداخته می‌شود.

کمیته بال در زمینه نظارت بانکی (BCBS)[1] بانک تسویه بین‌الملل به‌عنوان یک نهاد شناخته شده و معتبر در زمینه نظارت بانکی، حاکمیت شرکتی را اینگونه تعریف می‌نماید: حاکمیت شرکتی نتیجه می‌شود از رابطه قوی هر دو نهاد درونی (شخصی) بانک و نهاد مالی بین‌المللی به‌عنوان کل که هدفگذاری شایسته‌ای را در قالب اسناد راهنما ارائه می‌نماید (کمیته بال اصولی برای تقویت حاکمیت شرکتی، ۲۰۱۰).

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) نیز این تعریف را مطرح می‌نماید: حاکمیت شرکتی سیستمی است که شرکت‌های تجاری (در تعریف عام، اعم از مجموعه‌های اقتصادی نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های سهامی و غیره) توسط آن اداره و کنترل می‌شوند. ساختار حاکمیت شرکتی تعیین‌کننده نحوه توزیع حقوق، حدود مسئولیت‌ها، لزوم و حدود پاسخگویی میان ذینفعان (شرکای) مختلف یک مجموعه (شرکت) نظیر مدیر عامل، هیئت عامل، سهامداران و سایر ذینفعان می‌باشد. همچنین حاکمیت شرکتی تحمیل‌کننده قواعد و روش‌ها برای تصمیم‌سازی در خصوص امور مربوط به شرکت‌ها است. استقرار حاکمیت شرکتی زمینه فراهم آمدن ساختاری بهینه متناسب با اهداف از پیش تعیین شده، نقشه راه جهت حصول به آنها و زمینه نظارت بر عملکرد (ارزیابی عملکرد و برنامه‌های مصوب) را ایجاد می‌کند (OECD، ۱۹۹۹).

جیمز ولفنسون[2] رئیس پیشین بانک جهانی حاکمیت شرکتی در بانک‌ها را به‌طور مختصر به این شکل بیان می‌نماید: حاکمیت شرکتی درباره ترویج انصاف (عدالت)، شفافیت و مسئولیت‌پذیری می‌باشد[3]. (فاینشنال تایم، ۱۹۹۹).

سر جورج آدریان کادبری[4] رئیس پیشین کمیته مالی حاکمیت شرکتی انگلستان[5] در تعریف حاکمیت شرکتی بیان می‌کند: حاکمیت شرکتی برقراری توازن میان اهداف اقتصادی و اجتماعی و همچنین بین منافع جمعی و فردی است. چارچوب حاکمیت شرکتی جهت ترغیب استفاده کارا و بهینه از منابع و به همان میزان تشویق در زمینه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال عملکرد در زمینه

1. The Basel Committee of Banking Supervision

۲. جیمز ولفنسون (J. Wolfensohn) ازژوئیه ۱۹۹۵ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵ رئیس بانک جهانی بود.

3. Sir George Adrian Hayhurst Cadbury

4. UK Committee on the Financial Aspects of Corporate Governance

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

مصروف نمودن همان منابع می‌باشد. در واقع هدف آن است که ترتیبی اتخاذ گردد تا منافع جامعه، فرد و کلیه ذینفعان شرکت همسو با یکدیگر محترم شمرده شود (بانک جهانی، ۲۰۰۰).

در نهایت فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) نیز در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را متشکل می‌داند از مسئولیت‌ها و شیوه‌های به‌کار گرفته شده توسط هیئت‌مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی که تضمین‌کننده دستیابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است (فدراسیون حسابداری، ۲۰۰۴).

با بررسی مباحث مطروحه موجود در دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی منتشره از سوی نهادهای معتبر و نیز تعاریف فوق می‌توان نتیجه گرفت که ارکان حاکمیت شرکتی عبارتند از: انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری. تعاریف این ارکان بنابر مبانی OECD به شرح زیر است:

- انصاف (Fairness): برخورد یکسان و با عدالت با همه سهامداران (چه بزرگ و چه کوچک)
- شفافیت (Transparency): شافیت در ارائه اطلاعات و در دسترس بودن آن (مالی، حقوق و مزایا حدود وظایف و الزامات پاسخگویی هیئت‌مدیره و ساختار آن و ...)
- مسئولیت (Accountability): کمیت و کیفیت مسئولیت‌ها و تفویض اختیارات می‌بایست روشن باشد.
- پاسخگویی (Responsibility): هرگونه پذیرش و اختیار مسئولیت می‌بایست همراه با پاسخگویی باشد.

با عنایت به تعاریف فوق به‌نظر می‌رسد حصول ارکان حاکمیت شرکتی زمینه تحقق حفظ مشترک منافع ذینفعان بانکی اعم از مشتریان بانکی (شامل سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان)، سهامداران، مقام ناظر (به‌عنوان نماینده حاکمیت در پیگیری منافع ملی) بانک و به‌تبع آن جامعه را فراهم می‌نماید، بدیهی است مهیا شدن بستر لازم جهت حفظ منافع ذینفعان بانکی و عدم برتری یافتن غیرقانونی هر گروه از آنها نسبت به دیگری منجر به کارایی نظام بانکی در مسیر تأمین مالی بهینه خواهد شد؛ زیرا حوزه مورد بحث و کنکاش اصول مورد پذیرش حاکمیت شرکتی، موضوعاتی نظیر نقش سهامداران و روابط آنها و کنترل مناسب شرکت‌ها، مسئولیت پاسخگویی هیئت‌مدیره، بهبود عملکرد و اثربخشی هیئت‌مدیره، نقش کمیته‌های تخصصی نظیر کمیته حسابرسی، ریسک، تطبیق، کمیته تعیین دستمزد و پاداش، نقش حسابرسان و نظام حسابداری و کنترل‌های داخلی، استقلال هیئت‌مدیره، وجود توازن قوای مطلوب در سطح هیئت‌مدیره و استفاده از اعضای غیرموظف و حفظ منافع تمام ذینفعان به‌طور ویژه‌ای تأکید گردیده و استفاده از مکانیزم‌های موصوف موجب ایجاد ثبات و امنیت در بانک‌ها و در نتیجه اقتصاد جامعه می‌گردد. ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت هدایت و کنترل مؤسسات واسطه‌گر مالی به نحوی که بتواند حافظ منافع تمام ذینفعان گردد باعث کاهش هزینه‌ها و ریسک شده و منافع ایشان را حفظ خواهد نمود (حساس‌یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

بنابراین، به نظر می‌رسد با تبیین و نهادینه شدن ابزارهای حاکمیت شرکتی از جمله سیستم بهینه کنترل‌های داخلی کارامد، مدیریت ریسک، کمیته‌های حسابرسی برون‌سازمانی و مهیا شدن بستر لازم جهت ارتقای شفافیت می‌توان انتظار افزایش کارامدی و رفع موانع پیش روی نظام بانکی را داشت (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴).

حفظ منافع سپرده‌گذاران و سهامداران و برقراری اصل انصاف در فرایند بانکی، لزوم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیران رده‌های مختلف بانکی و حصول به درجه شفافیت مطلوب ایجاب می‌نماید که بانک در زمان اعطای تسهیلات بانکی حداکثر توان خویش را به اعتبارسنجی مشتریان اختصاص داده و وثایقی را با کیفیت مناسب و نقدشوندگی مطلوب از سوی متقاضیان جذب نماید، در این زمینه عدالت میان سپرده‌گذاران ایجاب می‌نماید که بانک از اعطای تسهیلات کلان بیش از سقف مجاز و مورد نظر مقام ناظر اجتناب ورزد؛ زیرا در صورت بروز اخلال در هر یک از مراحل، گزارش‌های مختلف کمیته‌های گوناگون نظارتی به معرفی عوامل سستی و سوءمدیریت پرداخته و به‌دلیل اهمیت شفافیت بالا این گزارش‌ها بلافاصله به اطلاع ذینفعان می‌رسد. افت ارزش سهام بانک متخلف و یا قصور کننده، تحت فشار قرار گرفتن مدیرعامل و سایر مدیران بانکی در مجامع عمومی و زیر سؤال رفتن صلاحیت حرفه‌ای آنها، خروج منابع سپرده‌گذاران از بانک‌های متخلف به سایر بانک‌ها، تحمیل تنبیه‌های اتخاذی از سوی نهاد ناظر و بی‌اعتباری بانک به‌دلیل افت رتبه بانک مذکور در میان سایر بانک‌ها از سوی مؤسسات رتبه‌بندی و کاهش مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مشترک از سوی دارندگان منابع از جمله پیامدهای ناشی از حسن اعمال حاکمیت شرکتی می‌باشد. اهمیت حمایت قانونی برای دفاع از سهامداران اقلیت و اجتناب از سیطره سهامداران اکثریت در کسب منافع و اخذ تسهیلات کلان پیامد دیگری است که در پی استقرار نظام حاکمیت شرکتی دنبال می‌گردد.

با توجه به موارد فوق به‌نظر می‌رسد که استقرار نظام حاکمیت شرکتی زمینه رفع نسبی موانع پیش‌روی نظام بانکی از جمله مواجهه با حجم قابل‌توجهی از تسهیلات اعطایی غیرجاری، درگیر شدن بسیاری از بانک‌های کشور در امر بنگاه‌داری (بیش از سقف مجاز)، سهم قابل‌توجهی از دارایی‌های سمی در اقلام ترازنامه بانک‌ها، ناچیز بودن نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها، پایین بودن درجه شفافیت سیستم بانکی، بروز فسادهای مالی و تحمیل ریسک‌های فزاینده، تضعیع حقوق سهامداران خرد و سپرده‌گذاران و وجود شبهاتی در زمینه انطباق برخی از عملیات بانکی با معیارهای شرعی در میان برخی از نخبگان، بخشی از مجموعه ناکارامدی‌های نظام بانکداری بدون ربای ایران را فراهم آورد.

بدیهی است استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران علاوه بر پیچیدگی‌های ذاتی و تفاوت‌های بنیادین بانک‌ها در قیاس با حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها از جمله تعدد بیشتر ذینفعان بانک‌ها، پیچیدگی بیشتر ترکیب بدهی مندرج در اقلام ترازنامه، گستردگی وسعت عملیات (تخصیص در قالب

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

مدل‌های متفاوت، نرخ‌های گوناگون و غیره) و پیچیدگی بیشتر تابع تولید نقدینگی در بانک‌ها که ناشی از عدم تطابق میان بازه زمان سرسید اقلام دو طرف ترازنامه بانک‌ها است از ویژگی‌ها و ملاحظات خاصی برخوردار است، ترکیب مالکیت نظام بانکی ایران و وجود بانک‌هایی با مالکیت کاملاً دولتی (۱۰۰ درصد با مالکیت دولت)، خصوصی شده (با ترکیب سهامداران خصوصی و دولتی) و خصوصی (با سهامداران خصوصی) زمینه اتخاذ نظام هماهنگ را به سختی میسر می‌نماید؛ زیرا در عمل سهامدار بانک‌های دولتی، وزارت امور اقتصادی و دارایی به نمایندگی از دولت می‌باشد. بدیهی است ماهیت اهداف سهامداران خصوصی با دولت در برخی از زمینه‌ها بسیار متفاوت است، این مهم در تبیین منافع ذینفعان دیگر بانک‌های دولتی که شامل سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان می‌باشند اثرگذاری جدی دارد. بر اساس مباحث مطروحه وضعیت ترکیب مالکیت سهامداران شرکت را می‌توان به ۳ دسته کلی تقسیم کرد:

- جزئی: مالکیت بین ۵ تا ۱۰ درصد سهام
- اثرگذار: مالکیت بین ۲۰ تا ۳۵ درصد سهام
- کنترل‌کننده: مالکیت بالای ۵۰ درصد سهام

با توجه به تقسیم‌بندی مذکور، در حال حاضر بانک‌های دولتی جزو دسته سهامداران کنترل‌کننده تلقی شده و بانک‌های خصوصی شده نیز به‌دلیل سهم حدود ۲۰ درصدی دولت در آنها جزو بانک‌هایی با سهامداران اثرگذار تلقی می‌شوند. در این راستا منشأ مالکیت برخی از بانک‌های خصوصی نهادهای حاکمیتی است که این مهم نیز بر پیچیدگی‌های مالکیتی بانک‌های ایران افزوده است. از این‌رو یکی از مقولات مهم در حاکمیت شرکتی نظام بانکداری بدون ربای ایران آگاهی از ساختار مالکیت و درجه‌بندی آن در مقیاس‌های استاندارد متعارف است تا با استفاده از آن بتوان استراتژی‌های لازم در استقرار حاکمیت شرکتی را تدوین کرد.

از تفاوت‌های اساسی دیگر نظام بانکی ایران که می‌بایست در زمینه حاکمیت شرکتی در نظر گرفت، ماهیت اسلامی این نظام بانکی و ضرورت توجه به رابطه میان ذینفعان بانکی است، به‌عنوان مثال در بانکداری متعارف، بانک، در ازای تضمین اصل و بهره منابع سپرده‌گذاری شده، مجاز است در هر زمینه‌ای که می‌خواهد منابع تجهیز شده را سرمایه‌گذاری نماید، اما در نظام بانکداری بدون ربای ایران بانک نقش وکیل سپرده‌گذار را ایفا می‌نماید که موظف است منابع موکل خویش را (سپرده‌گذار) در فعالیتی سرمایه‌گذاری نماید که در عین حفظ اصول شرعی بالاترین سود را در قیاس با سایر فعالیت‌ها داشته باشد. در این راستا عدم تخصیص منابع تجهیز شده در زمینه قرض‌الحسنه در سایر زمینه‌های تخصیصی بجز قرض‌الحسنه از درجه اهمیت بالایی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

در بانکداری اسلامی برخوردار است. بدیهی است حسن انجام نظارت در این زمینه مستلزم نظام حسابداری متناسب با ویژگی‌های بنیادین نظام بانکداری بدون ربای ایران است.

از سوی دیگر در لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام تأمین مالی کشور در پاسخ به نیاز بنگاه‌های اقتصادی جهت تأمین مالی منابع مورد نیاز و تأمین سرمایه در گردش از چند طریق به افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها پرداخته شده است، الزام به رعایت سقف مجاز بنگاه‌داری و تملک مستغلات از طریق واگذاری اموال مازاد بانک ظرف ۳ سال یکی از محورهای مدنظر سیاستگذار است، محور دیگر افزایش سرمایه بانک‌های دولتی به روش‌های گوناگون با حداقل آثار تورمی می‌باشد، ساماندهی به وضعیت مخاطره‌آمیز مانده تسهیلات غیرجاری با ملحوظ داشتن شرایط پیرامونی ایجاد این معوقات از دیگر محورهای طراحی شده است، به نظر می‌رسد هدف از راهکارهای اتخاذی حل تدریجی معضلات پیش‌روی نظام تامین مالی کشور می‌باشد، لیکن به نظر می‌رسد سازوکار کنونی و وجود ناکارامدی‌های محسوس نظام بانکی در شرایط حاضر منجر به آن می‌شود که هرگونه افزایش در منابع وام‌دادنی بانک‌ها با تورش و هدررفت به بخش‌های اقتصادی تزریق گردد، به‌عنوان مثال با وجود کاستی‌های مذکور احتمالاً بیش از ۱۵ درصد از منابع تزریق شده جهت افزایش سرمایه بانک‌های دولتی تبدیل به تسهیلات غیرجاری می‌شود و عملاً از چرخه تأمین مالی خارج می‌شود. به این ترتیب، به‌دلیل عدم وجود نظارت اثربخش و نقصان وجود سیستم حسابرسی قوی درون بانک‌ها انتظار می‌رود با وجود اهتمام بانک مرکزی و دولت در زمینه ایجاد انضباط‌بخشی فراگیر؛ به‌دلیل وجود کاستی‌های نهادی و عدم استقرار نظام حاکمیت شرکتی پرقدرت، بسیاری از سیاست‌های نظارتی و احتیاطی ضمانت اجرایی کافی نداشته و بنابراین روند شکل‌گیری دارایی‌های سمی و بی‌کیفیت در نظام بانکی افزایش یابد و در عمل ظرفیت بالقوه صادره از این افزایش سرمایه با نسبت کمتری در روند اقتصاد ملی بالفعل گردد. از این رو دولت در تبصره ۳ بند "ب" ماده (۲) لایحه مذکور بر ضرورت تدوین دستورالعمل نظام حاکمیت شرکتی بانک‌های دولتی تأکید نموده است. بنابراین به نظر می‌رسد با عنایت به نقش بی‌بدیل نظام بانکی کشور به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی، پیش‌شرط ارتقای کارایی و اثربخشی نظام تأمین مالی، ایجاد بستر رقابتی سالم میان بانک‌های داخلی و گذار به سمت امکان رقابت بانک‌های ایرانی با بانک‌های بین‌المللی، تدوین دستورالعملی جامع و متناسب با مقتضیات نظام بانکداری بدون ربای ایران، ماهیت حقوقی کشور و البته بهره‌مند از تجربیات نهادهای بین‌المللی در خصوص نظام بهینه حاکمیت شرکتی بانک‌ها و اهتمام همه‌جانبه دستگاه‌های مسئول در زمینه استقرار این نظام بهینه می‌باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

منابع

حساس‌یگانه، یحیی (۱۳۸۴)، سیستم‌های حاکمیت شرکتی، *ماهنامه حسابدار*، شماره ۱۶۹.

حساس‌یگانه، یحیی (۱۳۸۵)، حاکمیت شرکتی در ایران، *فصلنامه حسابرس*، شماره ۳۲.

حساس‌یگانه، یحیی و سیدهادی هاشمی (۱۳۸۷)، "مرور مبانی و مدل‌های مختلف حاکمیت شرکتی"، *ماهنامه حسابدار*، شماره ۲۰۱ ، صص ۳۹ – ۳۴.

سیف، ولی‌اله (۱۳۹۳)، رئیس کل بانک مرکزی، سخنرانی در کنفرانس اقتصاد ایران، دی ماه.

فروم حاکمیت شرکتی از سایت بانک جهانی به آدرس

http://www.worldbank.org/ifa/rosc_cgoverview.html

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون ثبت اسناد و املاک ایران.

لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام تأمین مالی کشور، (۱۳۹۳).

نظرپور، محمدنقی، یوسفی، محمدرضا و میمنت ابراهیمی (۱۳۹۳)، "شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس"، *مجله پژوهش‌های اقتصادی*، دوره ۱۴، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۳۹۱- ۶۵.

هدایتی، علی‌اصغر، کلهر، حسن، سفری، علی‌اصغر و محمود بهمنی (۱۳۸۳)، *عملیات بانکی داخلی ۲ -تخصیص منابع*، چاپ ۹، تهران: انتشارات مؤسسه عالی بانکداری.

Basel Committee on Banking Supervision, (2010) "Principles for Ehancing Corporate Governance". http:// www.bis.org/publ/bcbs294.htm, October.

Cadbury Committee Report - European Corporate Governance (2014), www.ecgi.org/codes/documents/cadbury.pdf.

Gill-Diaz, F. (1998), "The Origin of Mexico's Financial Crisis", *CATO Journal*, Winter, Issue 3, Vol. 17, PP. 303.

Krugman, P. (1998), "What Happened to Asia?", Unpublished Manuscript. The Asian Crisis: Causes and Cures", Publish IMF (1999).

OECD Principles of Corporate Governance (2012), www.oecd.org/corporate/oecdprinciplesofcorporategovernance.htm.

Wolfensohn, J. (1999), "Corporate Governance is about Promoting Corporate Fairness, Transparency and Accountability", Quoted in Financial Times, June 21.

www.ifac.org.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]